

از بی‌قانونی تا قانونگذاری تقلیدی؛ بررسی و علت‌شناسی سیر تحولات نظام دادرسی کشور و حقوق متهم از عصر قاجار تا پایان دوره پهلوی

عبدالرضا جوان جعفری (نویسنده مسئول)

استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

javan-j@um.ac.ir

سید امیرمحمد موسوی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

amirmousavi5252@gmail.com

سید محمدجواد ساداتی

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

mj.sadati@um.ac.ir

قابل انتشار در دوره ۲۶ شماره ۶۹ (بهار ۱۴۰۶) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

شکل‌گیری عدلیه مدرن در ایران با تصویب قوانین مدون (دهه ۱۲۹۰ ه.ش به بعد) نقطه عطفی در تاریخ نظام قضایی کشور محسوب می‌شود. در عدلیه سنتی ایران مفهومی به نام حقوق متهم در نظام دادرسی کشور وجود نداشت. از آنجایی که قواعد مشخصی در حوزه آیین دادرسی حاکم نبود، مامورین حکومت برای کشف جرم و محاکم عرف و شرع برای رسیدگی، هر یک به اراده خود عمل کرده و جان و مال و آزادی متهمین مورد تعدی حکومت قرار می‌گرفت. با نوسازی تشکیلات قضایی کشور در دوره پهلوی، نظام دادرسی کشور متحول شد و حقوق متهم در ابعاد فردی و ساختاری مورد توجه و حمایت حکومت قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش حاکی از این هستند که دنباله‌روی نظام قضایی کشور از جریان کلی توسعه تقلیدی، تلاش برای الغاء کاپیتولاسیون با بهبود حقوق متهمین و نهایتاً سیاست توسعه بروکراسی حکومت پهلوی اصلی‌ترین عوامل تحول نظام دادرسی کشور و توجه به حقوق متهم در این دوره بودند.

کلیدواژه‌ها: حقوق متهم، دادرسی منصفانه، اصول آیین دادرسی کیفری، بروکراسی اداری، کاپیتولاسیون.

مقدمه

حدود ۱۵۰ سال پیش در زمان حکومت ناصرالدین شاه، سیاحی از ایتالیا به نام کارلا سِرنا به ایران سفر کرد. او که از وضعیت عدلیه در ایران و حقوق متهمان به شدت حیرت کرده بود در سفرنامه خود نوشته است:

«من در خانه‌های شخصی تهران زندان‌هایی دیده و شاهد صحنه‌هایی بوده‌ام که اگر آن‌ها را نقل کنم به گزافه‌گویی و کتمان حقیقت متهم خواهد شد... اشخاص زیادی بی‌آنکه دعوایی علیه آن‌ها اقامه شده باشد یا محاکمه‌ای شده باشند برای هیچ توقیف می‌شوند و در مدت توقیف هرگونه تنبیهی درباره آن‌ها مجرا می‌گردد... در آنجا زندانیان در گروه‌های پنج‌شش نفری به یکدیگر بسته‌اند و زنجیرهایی آن‌چنان سنگین بر گردن، سینه و پا دارند که به زحمت آن‌ها را تحمل می‌کنند... توقیف زندانی هیچگاه مدت معینی ندارد. اینان که حشرات کثیف بدن آن‌ها را می‌خورند و جز قطعه نان و کوزه آبی در اختیارشان نیست، غالباً از گرسنگی از پای در می‌آیند. بیشترشان که بر سنگفرشی مرطوب افتاده‌اند و از نور آفتاب محروم‌اند و هوایی متعفن را استنشاق می‌کنند، مرگ را که غالباً به زودی به سراغشان خواهد آمد، برای خود رهایی می‌دانند»^۱.

به فاصله کمتر از ۵۰ سال از وضعیتی که توصیف کردیم، قانونی به نام «اصول محاکمات جزایی» در کشور تصویب شد. اصول محاکمات جزایی اختیارات قضایی را از داروغه‌ها سلب کرد؛ در هر حوزه قضایی دادگاه‌های رسمی و قانونی ایجاد کرد؛ قضات تحصیل کرده در رشته حقوق را بر مناصب قضایی گماشت؛ اصل قانونی بودن جرم و مجازات را بر نظام قضایی کشور حاکم کرد؛ مأمورین دولت را از تعرض خودسرانه به جان و مال و آزادی مردم منع نمود؛ تعقیب و تحقیق جرایم را به نهادی به نام دادسرا واگذار کرد؛ مقام‌های تعقیب و تحقیق و رسیدگی را از یکدیگر تفکیک کرد؛ مراحل پنج‌گانه رسیدگی را مجزا و تشریفات متعددی بر هر یک بار کرد؛ حقوق متهم مورد توجه قرار گرفت؛ شکنجه و بازداشت‌های خودسرانه ملغی شدند؛ امکان دسترسی به وکیل برای متهمان فراهم گشت و از حق اعتراض به رای برخوردار شدند.

آنچه در این دو پاراگراف توصیف کردیم، دو تصویر متفاوت به فاصله زمانی نزدیک از نظام دادرسی کشور و حقوق متهم در عصر قاجار و پهلوی هستند. در نتیجه این تصویرسازی چند پرسش به ذهن متبادر می‌شود. عدلیه سنتی پیش از مدرن‌سازی کشور در دوره پهلوی چه وضعیتی داشت؟ نظام دادرسی کشور پس از ورود مدرنیته غربی به کشور دچار چه تحولاتی شد؟ حقوق متهم - به عنوان یکی از دو رکن اصلی مباحث آیین دادرسی کیفری - دچار چه تغییراتی شد؟ چه عوامل سیاسی در وقوع این تحولات نقش داشتند؟ و نهایتاً تمام پرسش‌های قبلی را در یک پرسش اساسی می‌توان خلاصه کرد که هدف از انجام این پژوهش را آشکار می‌سازد: چه شد که نظام دادرسی و مسئله حقوق متهم در کشور ما از تصویر نخست به تصویر دوم رسید؟

حقوق متهم موضوع شمار زیادی از کتب و مقالات دانشگاهی کشور در سالیان اخیر بوده است.^۲ با این حال قریب به اتفاق این منابع صرفاً حقوق متهم در مراحل مختلف دادرسی را بیان کرده و به توصیف آن پرداخته‌اند. سیر تحولات نظام دادرسی کشور و حقوق مربوط به

^۱ - کارلا سِرنا، سفرنامه کارلا سِرنا: مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ۳-۱۳۱.

^۲ - علی خالقی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۲)؛ بهروز جوانمرد، آیین دادرسی کیفری، (تهران: جنگل، ۱۴۰۰)؛ محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، (تهران: سمت، ۱۴۰۰)؛ غلامرضا صادقی، سید محمدرضا امام و سید رضا احسان‌پور، «نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در مورد حقوق متهم»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۲، ۱۴۰۱ (۱۴۰۱)، ۸۹-۱۰۰؛ حسن سلطانی مفرد، علی خالقی و محمد مهدی ساقیان، «دادرسی کیفری در مدل سیاست جنایی اقتدارگرایی فراگیر با تأکید بر حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۴، ۲ (۱۴۰۰)، ۴۲۰-۴۰۳؛ علی جنگی سلامی، احسان محمدی کنگ سفلی، «حقوق متهم در قراردادهای تأمین کیفری»، نشریه مطالعات حقوقی، ۱۱۷ (۱۴۰۰)، ۳۱-۴۳؛ جلیل نعمتی، مرتضی ناجی‌زواره و منصور رحمدل، «قلمرو حقوق متهم تحت نظر در ایران در تطبیق با معیارهای حقوق بشری»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی،

متهّم، کمتر در این کتب و مقالات مورد بررسی قرار گرفته است. اگر هم در کتب یا مقالاتی این سیر تحولات بیان شده باشد، کمتر مورد علت‌شناسی قرار گرفته و صرفاً تفاوت‌های هر دوره و هر قانون با دوره و قانون قبلی بیان شده است. اگر هم احیاناً علت‌شناسی صورت گرفته باشد، غالباً با نگاه‌های فنی و حقوقی محض همراه بوده است. در کل، پژوهش‌هایی که نقش نیروهای اجتماعی هم‌چون قدرت سیاسی را در تحولات رخ داده نظام دادرسی ایران بررسی کرده باشند، بسیار اندک هستند. پژوهش پیش روی تلاش می‌کند تا این خلاء را پر کند. برای این کار با بهره‌گیری از دو روش تحلیل گفتمان و تبارشناسی تاریخی، در بخش نخست مقاله نظام دادرسی کشور و حقوق متهم در عدلیه سنتی و سپس قانون اصول محاکمات جزایی را توصیف کرده و در بخش دوم نقش قدرت سیاسی در این تحولات را بررسی می‌کنیم.

۱. از تقابل عرف و شرع تا تصویب قوانین مدرن؛ مقایسه وضعیت نظام دادرسی ایران و حقوق متهم در عدلیه سنتی و مدرن

در بخش اول پژوهش وضعیت نظام دادرسی کشور در ارتباط با حقوق متهمان در عصر قاجار و پهلوی را بررسی می‌کنیم. در ابتدا عدلیه سنتی قاجار را مرور می‌کنیم و سپس اصول محاکمات جزایی را از منظر حقوق متهم بررسی می‌کنیم.

۱/۱. نظام دادرسی کشور و حقوق متهمین در عدلیه سنتی

تا پیش از عصر مشروطه، نظام قضایی کشور ساختار مدون و منسجمی نداشت و دوگانه‌ای از عرف و شرع از ابتدای ورود اسلام به ایران، بر نظام عدالت کیفری کشور مستولی بود. این نظام دوگانه که خود از ساختار قضایی ساسانیان اقتباس شده بود، به حکام محلی اجازه می‌داد تا به صلاحدید خود، قوانین شریعت را بر تابعان اعمال کنند. قوانین شریعت نیز نامدون و فاقد انسجام بودند و حکام محلی در دریایی از آراء متعارض فقهی، به استخراج احکام دلخواه خود می‌پرداختند. فرآیند رسیدگی نیز قاعده‌مند و یک شکل نبود و مقامات مختلفی چون روحانیون، شحنه، محتسب و داروغه به اتهامات افراد رسیدگی می‌کردند.^۳ دادگستری در عصر قاجار نیز قاعده‌مند نبود، نظام دادرسی که از اصول ثابت و مترقی تبعیت و حقوق متهم و بزه‌دیده را مشخص کند، وجود نداشت و محاکم عرف و شرع هر یک با رویه‌هایی جداگانه به جرایم تحت صلاحیت خود رسیدگی می‌کردند.

در رابطه با قوانین حاکم بر محاکم شرع و کیفیت رسیدگی آن‌ها در عمل، وضعیت دوگانه‌ای وجود داشت. از سویی محاکم شرع به لحاظ قوانین ماهوی حاکم بر آن‌ها از پشتوانه فقهی مناسبی برخوردار بودند، از سویی دیگر اما کیفیت رسیدگی این محاکم در عمل با اشکالات فراوانی همراه بود. نه تنها والیان و حکمرانان محلی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در امور محاکم شرع دخالت می‌کردند، بلکه بسیاری از عالمان و «عالم‌نمایانی» که بر مسند قضاوت این محاکم می‌نشستند نیز به دلیل فقدان وجود قوانین شکلی مدون و عدم امکان تجدیدنظر از احکام آن‌ها، از جهات مالی و غیر مالی تحت نفوذ قرار می‌گرفتند.^۴

در مقابل محاکم شرع، محاکم عرف یا «دیوان‌خانه» قرار می‌گرفت. ریاست این محاکم با فرمانروایان محلی و امیران و والیان و حتی خود شخص شاه بود. عمده صلاحیت این محاکم، رسیدگی به دعاوی کیفری و شکایات علیه مقامات دولتی بود. مهم‌ترین مشکل محاکم عرف در عصر قاجار، فقدان وجود قوانین ماهوی و شکلی برای حکومت بر دادگاه‌ها بود. در نتیجه فقدان قوانین مشخص، حاکمان عصر

۲۳، ۱۱ (۱۴۰۰)، ۲۳۸-۲۰۱؛ سید محمد فردحسینی، «بررسی الزامات حقوق متهم در دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، ماهنامه آفاق علوم انسانی، ۲۴ (۱۳۹۸)، ۵۵-۳۹؛ بهارک شاهد و نسرين مهر، «برخی از جلوه‌های بارز الگوی دادرسی منصفانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۲ (۱۳۹۷)، ۳۰-۵.

۳- ویلم فلور و امین بنانی، نظام قضائی عصر قاجار و پهلوی، ترجمه حسن زندیه، (تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲)، ۶-۱.

۴- حسن امین، تاریخ حقوق ایران، (تهران: دایره المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۹۱)، ۵-۴۰۴.

قاجار مطابق میل خود به اتهامات افراد در محاکم عرف رسیدگی می‌کردند. گاسپار دروویل محقق فرانسوی که در زمان فتحعلی شاه به ایران سفر کرده بود، در وصف دستگاه قضاوت قاجار چنین نوشته است: «در ایران، امر قضاوت دستگاه بسیار ساده‌ای دارد. از مشاور حقوقی، وکیل، بازپرس و دادستان اثری نیست... قضاوت فی‌المجلس و بدون استیناف انجام می‌گیرد. انجام وظایف پلیس و رسیدگی به منازعات مردم با داروغه‌ها است. داروغه‌ها در بازار قرارگاه خاصی دارند و در آنجا به شکایات مردم رسیدگی می‌کنند. به محض تسلیم شکایت، تحقیقات آن‌ها شروع و معمولاً تا یک ساعت بعد از شکایت، مجرم مجازات می‌شود.»^۵

حاج سیاح یکی از روشنفکران عصر قاجار در کتاب خاطرات خود، وضعیت دستگاه عدالت را چنین توصیف کرده است: «در مملکت عدلیه و محل معین برای رجوع مظلومین و متظلمین نبود... در تمام مملکت یک نفر جانی و مقصر به طبق قانون شرع مجازات نمی‌شد و از طرفی به اسم مجازات هزاران نحو شکنجه به میل ظالم بر مظلوم جاری می‌شد.»^۶

شرح مصادیق ظلم در نظام دادرسی عصر قاجار مفصل است و بررسی کامل آن به پژوهشی مستقل نیاز دارد، با این حال برای توصیف وضعیت بی‌قانونی ایران پیش از مشروطه، به چند نمونه اشاره می‌کنیم. نقل است که در سال ۱۲۱۰ ه. ق. یکی از اروپائیان دربار آقا محمد خان قاجار چهره او را نقاشی کرد. شاه که از نقاشی بسیار خشنود شد به یکی از خدام خود دستور داد تا تابلو را به تهران منتقل کند. پس از رسیدن تابلو به تهران، آقا محمد خان متوجه شد که اندکی از شیشه تابلو در طول مسیر شکسته است. شاه بدون اینکه هیچ عذر و دفاعی از خدام خود بشنود به محض دیدن تابلو دستور داد تا چشمان او را از کاسه درآورده، تمام اموالش را ضبط کرده و از تهران اخراجش کنند.^۷

کنت دوگوبینو در خاطرات خود نوشته است که در زمان ناصرالدین شاه، پسر بچه هجده ساله‌ای به نام رجب را به اتهام قتل دستگیر کردند. شاه بدون برگزاری دادگاه و محاکمه فرمان داد تا او را در میدان دروازه نو اعدام کنند. پیش از اعدام، رجب به شاه پیغام رساند که به ازای پرداخت هزار تومان، شاه از جان او بگذرد. ناصرالدین شاه نیز که خیال می‌کرد پسرک اهل اصفهان است و در تهران اقوامی ندارد تا برای او دادخواهی کنند، پول را قبول کرد و زیر قول خود زد. رجب بعد از دیدن شاه در میدان اعدام شروع به فحاشی کرد و ناصرالدین شاه نیز دستور داد تا برخلاف رویه‌های متعارف، گردن او را آرام آرام، اره کنند.^۸

شکنجه کردن و آزار رساندن به متهمین نیز در عصر قاجار بسیار رایج بوده است. اعتمادالسلطنه در خاطراتش نوشته است که در سال ۱۳۰۱ ه. ق. ماموران برای گرفتن مالیات بر «قفس لبل» به مغازه یک سبزی فروش مراجعه کردند. میان سبزی فروش و ماموران نزاع شد. او را دستگیر کردند و آنقدر فلک کرده و کتک زدند که در بازداشت کشته شد.^۹

خلاصه سخن اینکه دستگاه قضاوت در دوره پیش از مشروطه در ایران کارآمد نبود. محاکم به دو دسته عرف و شرع تقسیم می‌شدند و هر یک کاستی‌های فراوانی داشتند. بر محاکم عرف قانون مشخصی حاکم نبود و دادرسی با تضييع حقوق متهمان همراه بود. محاکم شرع نیز به رغم بهره‌مندی از قواعد مدون، از مجتهدان و عالم‌نمایان فاسد مملوء بودند. علاوه بر این، میان محاکم عرف و شرع نوعی تقابل نیز وجود داشت و دو محکمه در امور یکدیگر دخالت فراوان می‌کردند. والیان ایالات و حاکمان محلی با انتصاب مجتهدین مورد اعتماد خود سعی می‌کردند تا بر محاکم شرع اعمال نفوذ کنند و مجتهدان محاکم شرع نیز با اجرای احکام و فتاوی خود از طریق پیروان‌شان، در مقابل دولتمردان قد علم می‌کردند. نتیجه تقابل میان محاکم عرف و شرع، فساد و ناکارآمدی دستگاه عدالت در ایران بود.

^۵ - گاسپار دروویل، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، (تهران: انتشارات گنجبرگ، ۱۳۴۸)، ۸-۲۰۷.

^۶ - حمید سیاح، خاطرات حاج سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۶)، ۳-۴۷۲.

^۷ - گیوم آنتوان البویه، سفرنامه البویه، ترجمه محمدطاهر میرزا، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱)، ۹۲.

^۸ - ژوزف آرتور دوگوبینو، نامه‌های ایرانی، ترجمه عذرا غفاری، (تهران: دهخدا، ۱۳۴۱)، ۹-۵۶.

^۹ - مرتضی راوندی، سیر قانون و دادگستری در ایران، (تهران: نشر چشمه، ۱۳۶۸)، ۲۵۱.

۱/۲. ایجاد عدلیه مدرن در ایران با تصویب قوانین مدوّن

تصویب چند قانون مهم در واپسین سال‌های قرن سیزدهم، ساختار عدلیه در ایران را به کلی دگرگون کرد. متمم قانون اساسی مشروطه، قانون اصول تشکیلات عدلیه و قانون اصول محاکمات جزایی از جمله این قوانین هستند که نقش آن‌ها را در تحولات نظام دادرسی کشور و حقوق متهم بررسی می‌کنیم. با این حال از آنجایی که اصول محاکمات جزایی نقش پررنگ‌تری در تحولات نظام دادرسی کشور داشت، در بررسی‌های آتی بیشتر مورد توجه ما قرار می‌گیرد. مجموع این قوانین و خصوصاً اصول محاکمات جزایی چه تحولاتی را در زمینه حقوق متهمان در نظام دادرسی ایران پدید آوردند؟ در دو بحث حقوق فرآیندمدار و حقوق ساختارمدار بررسی می‌کنیم.

۱/۲/۱. حقوق فرآیندمدار

منظور از حقوق فرآیندمدار آن دسته از حقوقی هستند که در فرآیندهای متعدد دادرسی مستقیماً وضعیت متهم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فرآیند دادرسی را به پنج مرحله می‌توان تقسیم کرد؛ کشف جرم، تعقیب جرم، تحقیق از جرم، دادرسی و پسا دادرسی. هر کدام از این مراحل را بررسی می‌کنیم.

۱. **کشف جرم.** اصول محاکمات جزایی در فصل دوم از باب اول که به بررسی تکالیف ضابطین عدلیه (کمیسرهای پلیس و قائم مقام‌های آنان) پرداخته، لاقلاً در دو مورد به حقوق متهمین نیز اشاره کرده بود. نخست اینکه در خصوص ورود به منازل افراد برای جمع‌آوری ادله و تحقیق از جرم، ضابطین را محدود کرده بود. قانون فوق برای نخستین بار جرایم را به دو گونه مشهود و غیرمشهود تقسیم نمود و در ماده ۲۲، ضمن محول کردن وظیفه تحقیق در جرایم غیرمشهود به ضابطین قضایی، آن‌ها را از ورود به منازل مردم برای انجام این امر، منع نمود. در ماده ۲۴، کسب مجوز موردی از جانب مدعی العموم، شرط ورود ضابطین به منازل مردم تلقی شده بود. تدبیر فوق گام ناقصی برای رعایت حریم خصوصی مظنونین به ارتکاب جرم بود که امروزه به شکل گسترده‌تری (نامه‌ها و مراسلات و ارتباطات الکترونیک) در قوانین پیشبینی شده است. دومین مورد به محدودیت زمانی نگهداری مظنون، مرتبط بود. با وجود عدم شناسایی صریح وضعیت «تحت نظر» در اصول محاکمات جزایی، قانونگذار در ماده ۲۴ صراحتاً اعلام کرد که کمیسرهای پلیس در صورت آغاز تحقیقات، حق ندارند مظنون را بیش از ۲۴ ساعت در توقیف نگه دارند و در صورت ضرورت نگهداری بیشتر، دستور توقیف باید از جانب بازپرس (مستتطق) صادر شود. با این حال حقوق متهم در مرحله کشف در اصول محاکمات جزایی بی‌عیب و نقص نبود. در قانون مذکور به حق ملاقات متهم با وکیل در این مرحله اشاره نشده، در کمال تعجب به منع شکنجه و بی‌اعتباری اقرار در صورت اعمال زور و اجبار اشاره نشده و تکلیفی نیز بر ضابطان بار نشده بود تا علت توقیف متهم یا تحقیق را فوراً به او اعلام کنند.

۲. **تعقیب جرم.** بیشتر مسائل مرتبط با حقوق متهم در مرحله تعقیب جرم، به اجرا و رعایت دقیق اصل تفکیک مقام تعقیب از تحقیق و استقلال بازپرس در مقابل دادستان مربوط می‌شود که در بررسی تحولات حقوق متهم از بعد ساختاری، به آن اشاره خواهیم کرد. تنها نکته‌ای که در رابطه با حقوق فرآیندمدار متهم در مرحله تعقیب جرم در اصول محاکمات جزایی به چشم می‌خورد، پیش‌بینی تعلیق تعقیب جرم، از سوی دادستان است. در اصول محاکمات جزایی تا پیش از سال ۱۳۴۰، چنین رویکردی در قبال تعلیق تعقیب از جانب دادستان وجود نداشت. نخستین بار پس از اصلاحات سال ۱۳۴۰ بود که قانونگذار در قالب ماده ۴۰ مکرر، با وجود شرایطی (جرم از نوع جنحه باشد، متهم اقرار کرده باشد، محکومیت موثر نداشته باشد، شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد) تعلیق تعقیب را پیشبینی کرده بود.

ماده مذکور با وجود اینکه برای نخستین بار نهاد تعلیق تعقیب را به نظام دادرسی کشور وارد کرد و از این حیث قدم رو به جلویی برای رعایت اصل اقتضای تعقیب برداشت، نقاط ضعفی نیز داشت. برای مثال قطعی شدن قرار به تأیید دادگاه جنحه موکول شده بود که با توجه به

اینکه مقام تعقیب دادستان است، توجیهی نداشت. چنین تدبیری ناقض اصل بی‌طرفی مرجع رسیدگی (دادگاه) محسوب می‌شد. به عنوان نقطه ضعفی دیگر، الزام متهم به اقرار علیه خویش، شرط بهره‌مندی از نهاد تعلیق تعقیب محسوب می‌شد. از آنجایی که متهم تا زمان اثبات جرم در دادگاه رسیدگی کننده، در پناه برائت قرار دارد، اجبار کردن او به اقرار علیه خویش با فرض بی‌گناهی او تضاد پیدا می‌کند.

۳. تحقیقات مقدماتی. مهم‌ترین حق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، حق دسترسی به وکیل و بهره‌مندی از او در جریان تحقیقات است. اصول محاکمات جزایی تا پیش از اصلاحات سال ۱۳۳۵، به وکیل اجازه حضور در تحقیقات مقدماتی را نمی‌داد. پس از اصلاحات سال ۱۳۳۵، تبصره‌ای به ماده ۱۱۲ اضافه شد که به موجب آن وکیل می‌توانست بدون برهم زدن جریان بازجویی، پس از خاتمه آن توضیحات یا تذکراتی را مطرح کند. رعایت حقوق دفاعی در مرحله بازجویی نیز نمود پیدا می‌کند. اصل مشروعیت تحصیل دلیل در این مرحله ضامن حقوق متهم و محدودکننده اختیارات بازپرس در استخراج اطلاعات است. اصول محاکمات جزایی در همین راستا، در ماده ۱۲۵، بازپرس را از پرسش سؤالات تلقینی یا اکراه و اجبار متهم منع کرده بود. هرچند این ماده صراحتاً به ممنوعیت شکنجه اشاره‌ای نکرده اما ممنوعیت اکراه و اجبار، به طریق اولی ممنوعیت شکنجه را نیز افاده می‌کند. علاوه بر این، حق سکوت متهم نیز که از دیگر حقوق دفاعی اوست، در این ماده مورد پذیرش قرار گرفته بود.

دسته دیگری از حقوق متهم که در مرحله تحقیقات مقدماتی اهمیت جدی پیدا می‌کنند، حقوق ناظر به آزادی‌های متهم هستند. اصول محاکمات جزایی برای تضمین آزادی‌های متهم در این مرحله چند تدبیر اتخاذ کرده بود. نخستین تدبیر در این راستا، لزوم موجه بودن احضار و جلب متهمین بود. اصول محاکمات جزایی در ماده ۱۲۱ مقرر کرده بود: «مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد.» احضارنامه و برگه جلب نیز باید مکتوب می‌بود و توسط ضابطین قضایی به متهم ابلاغ می‌شد (مواد ۱۰۸ و ۱۱۶). علاوه بر اینکه احضار یا جلب متهم باید مبتنی بر وجود دلایل معقول باشد، تفتیش و تفحص از منازل و اموال متهم نیز تابع تشریفات خاصی است. در این راستا اصول محاکمات جزایی مقرر کرده بود که تفحص از منازل، تنها در صورت وجود دلایل کافی مبنی بر حضور مرتکب یا اسباب یا ادله مربوط به جرم ممکن است (ماده ۹۱)؛ تفحص در حضور صاحب‌خانه (ماده ۹۲) و حتی المقدور در روز (ماده ۹۴) اتفاق افتد و فقط اوراق و نوشته‌های مربوط به اتهام جمع‌آوری شوند و غیر از این مضمون سایر اوراق متهم افشاء نشود (ماده ۹۷).

سلب آزادی فردی که اتهام او ثابت نشده، خلاف اصل برائت است، لذا ضروری است تا پس از احضار یا جلب، متهم فوراً تفهیم اتهام شده و تحقیقات از او آغاز شود. ماده ۱۲۴ در همین زمینه مقرر کرده بود که اگر متهم ظرف ۲۴ ساعت از زمان احضار یا جلب توسط مستنطق یا مدعی‌العموم استنطاق نشود، توقیف او غیرقانونی بوده و مقام‌های مقصر از خدمت منقصل می‌شوند. پس از تفهیم اتهام، مستنطق می‌توانست برای ادامه دسترسی به متهم قرار تامین صادر کند. با این حال قرار صادره باید با شدت اتهام و اوضاع و احوال پرونده و حیثیت متهم متناسب می‌بود، در غیر این صورت خود مستنطق به مجازات انتظامی محکوم می‌شد (ماده ۱۳۰). در صورت صدور قرار توقیف احتیاطی (بازداشت موقت) برای متهم حق شکایت در نظر گرفته شده بود (ماده ۱۷۴). مدت زمان توقیف احتیاطی نیز محدود بود. مطابق تبصره ۲ ماده ۱۲۹، حداکثر مدت توقیف تا پیش از صدور کیفرخواست در امر جنایی ۴ ماه و در امر جنحه ۲ ماه بود. پس از پایان این مدت مستنطق مکلف به فک یا تخفیف قرار بود مگر اینکه جهات قانونی برای ابقاء تامین وجود می‌داشت که در این صورت برای متهم حق اعتراض پیشینی شده بود.

با وجود تمام دستاوردهای اصول محاکمات جزایی در رعایت حقوق متهمین در مرحله تحقیقات مقدماتی، برخی اشکالات جدی نیز بر تدابیر قانون در این مرحله وجود داشت که در این خصوص به سه مورد اشاره می‌کنیم. نخست اینکه حق بهره‌مندی از وکیل برای متهمان

محدود بود. اصول محاکمات جزایی توجهی به مسئله وکالت تسخیری در تحقیقات مقدماتی نکرده بود و صرفاً در مرحله رسیدگی به متهمان حق بهره‌مندی از وکیل تسخیری می‌داد. دوم اینکه محدودیت بهره‌مندی و دسترسی به وکیل، عدم مواجهه متهم با شاکی و شهود و مطلعین، عدم الزام بازپرس به تکمیل تحقیقات درخواستی از جانب متهم و عدم اشاره قانون به امکان دسترسی متهم به اطلاعات پرونده، مواردی بودند که اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی را در قانون اصول محاکمات جزایی محدود و متهم را به آلت دست مستنطق تبدیل کرده بودند. نکته آخر نیز اینکه معمولاً در قوانین دادرسی، قانونگذار خسارت ایام بازداشت ناروا را مورد توجه قرار می‌دهد تا اگر متهم به صورت خودسرانه بازداشت شده یا به صورت قانونی بازداشت شده ولی نهایتاً بازپرس قرار منع تعقیب صادر کند، گوشه‌ای از خسارات او تامین شود. با این حال اصول محاکمات جزایی نه در نسخه ابتدایی خود و نه در هیچ یک از اصلاحات بعدی سخنی از جبران خسارت ایام بازداشت به میان نیاورده بود که از این حیث جای انتقاد داشت.

۴. دادرسی. مهم‌ترین حق دفاعی متهم در مرحله رسیدگی حق بهره‌مندی و دسترسی و حضور وکیل در جلسه دادگاه است. در اصول محاکمات جزایی برای بهره‌مندی متهمین از وکیل در دادگاه‌های مختلف، قواعد متفاوتی پیش‌بینی شده بود. متهم اگر می‌خواست خودش وکیل را تعیین کند، در این امر آزاد و مختار بود اما درخواست وکیل تسخیری در دادگاه‌های مختلف متفاوت بود. در رابطه با دادگاه صلح، قانونگذار بحث وکالت تسخیری را مسکوت گذاشته بود و به نظر می‌رسد با توجه به جرایم در صلاحیت این دادگاه، متهم امکان بهره‌مندی از وکیل تسخیری را نداشته است. در محکمه ابتدایی، متهم می‌توانست از دادگاه وکیل تسخیری درخواست کند اما پذیرش این درخواست، کاملاً به نظر رئیس دادگاه بستگی داشت و در صورت عدم صلاحیت قاضی، پرونده بدون تعیین وکیل رسیدگی می‌شد (ماده ۳۰۹). در دادگاه جنایی اما، حضور وکیل الزامی بود و در صورت درخواست یا حتی عدم تعیین وکیل از جانب متهم، دادگاه وظیفه داشت تا وکیل تسخیری تعیین نماید (ماده ۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۳۷).

امکان دسترسی به وکیل و مشورت گرفتن با او برای آماده‌سازی دفاعیات، بخش مهم دیگری از حقوق دفاعی متهم است. به این منظور اصول محاکمات جزایی چند تدبیر اتخاذ کرده بود. نخست اینکه مواعیدی میان ابلاغ احضاریه تا زمان حضور متهم در دادگاه پیش‌بینی کرده بود (مواد ۲۲۰ و ۳۱۲)؛ ثانیاً اینکه برای متهم و وکیل او حق دسترسی به پرونده و اطلاع از اظهارات مدعی خصوصی و عمومی در نظر گرفته شده بود (ماده ۳۲۶)؛ ثالثاً اینکه در پرونده‌های در صلاحیت دادگاه جنایی، جلسه‌ای پیش از رسیدگی اصلی پیش‌بینی شده بود به نام جلسه مقدماتی اداری که در آن به اعتراضات شکلی متهم و وکیل او رسیدگی می‌شد (ماده ۱۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد قانون آیین‌نامه دادرسی کیفری).

به عنوان آخرین نکته در خصوص وکالت از متهم نیز به تعداد و امکان حضور وکلا در دادگاه اشاره می‌کنیم. اصول محاکمات جزایی به متهم این امکان را داده بود تا حداکثر سه وکیل انتخاب کند و حضور هر سه آن‌ها در جلسه رسیدگی مجاز بود. با این حال عدم حضور هر یک یا تمامی آن‌ها مانع رسیدگی محسوب نمی‌شد جز در دادگاه جنایی، که حضور حداقل یک وکیل لازم بود (ماده ۳۱۴).

منع سوگند خوردن و منع الزام به شهادت برخی دیگر از حقوق متهم در مرحله رسیدگی هستند. در همین راستا ماده ۲۴۵ الزام همسر و نیز اجداد یا فرزندان و نوادگان متهم به شهادت علیه او را، ممنوع کرده بود. هر چند ماده مزبور صراحتاً این ممنوعیت را در مورد خود متهم بیان نکرده بود اما پذیرش کلی حق سکوت متهم، او را قادر می‌ساخت تا از ادای سوگند یا شهادت علیه خویش امتناع ورزد.

علاوه بر این موارد، اصول محاکمات جزایی تدابیری را نیز برای رعایت اصل ترافعی بودن مرحله دادرسی اتخاذ کرده بود. برای نمونه ماده ۲۴۸ امکان پرسش از شهود طرف مقابل را برای متهم فراهم آورده و ماده ۲۵ قانون تشکیل محاکم جنایی بعد از هر نطق دادستان به

متهم نیز اجازه نطق اعطا کرده بود. مواد ۲۶ و ۲۷ قانون تشکیل محاکم جنایی نیز امکان تحقیق انفرادی و گروهی از شهود را به درخواست متهم فراهم آورده بودند.

۵. پسدادرسی. متهم پس از صدور رای ابتدایی نیز از برخی حقوق بهره‌مند است. این حقوق را در دو فرض برائت و محکومیت می‌توان دنبال کرد. در صورت برائت متهم حق دارد خسارت ایام بازداشت را مطالبه کند و نیز آنکه بابت اتهام واحد دوباره محاکمه نشود. در صورت محکومیت نیز متهم حق دارد به مرجع قضایی بالاتر اعتراض کند.

وضعیت اصول محاکمات جزایی از حیث پیشبینی جبران خسارت ایام بازداشت را پیشتر بررسی کردیم. متأسفانه جبران خسارتی برای متهم در این قانون پیشبینی نشده بود. با این حال جبران خسارت‌های معنوی و حیثیتی که به متهم وارد شده، در ماده ۴۹۱ مورد توجه قرار گرفته بود. مطابق این ماده «حکم برائت متهم در صورت تقاضای او به خرج خودش در مطبوعات رسمی اعلان می‌شود».

مسئله بعدی اعتبار امر مختوم کیفری است. اعتبار امر مختوم معمولاً به عنوان یکی از موارد موقوفی تعقیب در قوانین آیین دادرسی کیفری ذکر می‌شود. با این حال این موضوع نه تنها در ماده ۸ اصول محاکمات جزایی به عنوان یکی از جهات موقوفی تعقیب ذکر نشده، بلکه در هیچ ماده دیگری از این قانون یا قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ نیز، صراحتاً اثری از آن به چشم نمی‌خورد.

دست‌آورد مهم دیگر اصول محاکمات جزایی در زمان خود، پیش‌بینی دقیق و منظم طرق اعتراض به آراء بود. پیش از اصول محاکمات جزایی، امکان نظارت بر آراء محاکم عرف و شرع و احقاق حق در صورت صدور رای اشتباه وجود نداشت و متهمین در مقابل خودکامگی قضات بی‌پناه بودند. اصول محاکمات جزایی برای نخستین بار حداقل در محاکم عرفی، سازوکارهای مشخصی برای نظارت بر آراء مراجع قضایی و اعتراض به آن پیش‌بینی کرد. آراء دادگاه‌های ابتدایی، در محاکم جنحه استیناف می‌شدند (ماده ۲۹۰) و رای دادگاه جنحه در این خصوص قطعی و غیرقابل فرجام محسوب می‌شد (ماده ۲۹۶)، مگر در فرض اعاده دادرسی (ماده ۲۹۷). احکام دادگاه‌های جنحه در دادگاه استیناف استان مورد تجدیدنظر قرار می‌گرفت (ماده ۳۴۹) و قابل فرجام در دیوان تمیز بود (ماده ۳۵۵). نهایتاً احکام دادگاه‌های جنایی نیز در دیوان تمیز قابل فرجام‌خواهی بود (ماده ۴۳۰ مکرر). در تمامی دادگاه‌ها، شاکی خصوصی، دادستان و متهم امکان اعتراض به رای داشتند و اگر متهم طبق رای ابتدایی دادگاه تبرئه می‌شد، دادگاه مکلف بود تا بلافاصله او را از توقیف آزاد کند، حتی اگر رای توسط شاکی یا دادستان مورد اعتراض واقع می‌شد (مواد ۳۴۴، ۳۵۶ و ۴۴۴).

۱/۲/۲. حقوق ساختارمدار

منظور از حقوق ساختارمدار، ویژگی‌هایی در ساختار دادگستری و تشکیلات قضایی است که به صورت غیرمستقیم حقوق متهمین را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این حقوق را در دو بخش دادرسی و دادگاه بررسی می‌کنیم.

۱. دادرسی. مهم‌ترین موضوعی که در ساختار دادرسی به مسئله حقوق متهم ارتباط پیدا می‌کند، رعایت اصل تفکیک میان مقام‌های تعقیب، تحقیق و رسیدگی است. از آنجایی که دادستان خود یک طرف دعواست و در تعقیب متهم ذی‌نفع محسوب و ذهن او در رابطه با مجرمیت متهم از پیش جهت‌گیری شده، نمی‌تواند شخصاً تحقیقات مقدماتی از متهم را نیز برعهده بگیرد و لازم است تا مقام دیگری به صورت بی‌طرفانه موظف به انجام این امر گردد. علاوه بر این مقام‌های تعقیب و تحقیق از مقام رسیدگی نیز باید تفکیک شده باشند؛ در غیر این صورت رسیدگی در دادگاه بی‌طرفانه نخواهد بود.

صحبت در مورد اصل تفکیک شاید امروزه بسیار بدیهی به نظر برسد اما رعایت آن برای نخستین بار در قانون اصول تشکیلات عدلیه و اصول محاکمات جزایی در زمان خود دستاورد بزرگی محسوب می‌شد. در عدلیه سنتی ایران، مفهومی به نام دادسرا، تحقیقات مقدماتی و تفکیک مقام‌های مختلف قضایی در فرآیند رسیدگی وجود نداشت. حکام دادگاه‌های عرف یا شرع خودشان موضوع اتهام را تعقیب و تحقیق و رسیدگی می‌کردند و در مدت کوتاهی حکم را نیز صادر و اجرا می‌کردند. تجمیع اختیارات در یک قاضی واحد حقوق متهمان را به شدت پامال می‌کرد. برای پایان دادن به این وضعیت، قانونگذار با کمک مستشاری فرانسوی به نام آدولف پرنی،^{۱۰} برای نخستین بار در قانون اصول تشکیلات عدلیه، اداره‌ای به نام «اداره مدعی‌های عمومی» را برای رسیدگی به حیثیت عمومی جرم، تاسیس کرد. سپس با بیان اینکه مدعی‌های عمومی زیر نظر وزیر عدلیه فعالیت می‌کنند، تشکیلات و ترکیب اداره مدعی‌های عمومی (پارکه) را شرح داد و وظایف آن‌ها را در امور حقوقی و جزایی معین کرد. تاسیس نهاد دادسرا و تفکیک مراحل و تخصصی شدن اختیارات، با برهم زدن رویه سابق که چندین قرن در نظام دادرسی کشور قدمت داشت، تحول اساسی در رعایت اصول دادرسی منصفانه و توجه به حقوق متهمان ایجاد کرد.

۲. دادگاه. در خصوص ساختار دادگاه‌ها چند موضوع به صورت غیرمستقیم با حقوق متهم ارتباط برقرار می‌کند: استقلال قضاوت رسیدگی‌کننده، تعیین صلاحیت و قانونی بودن تشکیل محاکم، برگزاری علنی دادگاه‌ها، رسیدگی با قضاوت متعدد و حضور هیئت منصفه. هر یک را بررسی می‌کنیم.

برپایی محکمه عادلانه بدون وجود قاضی مستقل ممکن نیست. اصول محاکمات جزایی خود مقرر و ویژه‌ای در مورد اصل استقلال قضاوت نداشت اما در این خصوص از نظم و ترتیبی که به موجب متمم قانون اساسی مشروطه ایجاد شده بود پیروی می‌کرد. متمم قانون اساسی برای تامین استقلال قضایی در دو بعد فردی و نهادی چند تدبیر اتخاذ کرده بود. نخست آنکه قوای مملکت را به سه دسته مقننه، مجریه و قضائیه تقسیم کرده (اصل ۲۷) و آن‌ها را از یکدیگر تفکیک کرده بود (اصل ۲۸). سپس گزینش قضاوت را نیز ضابطه‌مند کرده و قانون را معیار استخدام آن‌ها قرار داده بود. علاوه بر این موارد تغییر شغل قضاوت (اصل ۸۱) و تغییر محل خدمت آن‌ها (اصل ۸۲) ممنوع شده بود. برای تامین استقلال مالی نیز دو اصل پیشبینی شده بود. نخست اینکه بودجه‌ای مستقل برای قوه قضائیه پیشبینی شده بود تا به دولت وابسته نباشد (اصل ۸۴)، ثانیاً قضاوت از هرگونه خدمتی به دولت که موجب وابستگی مالی آن‌ها شود منع شده بودند (اصل ۸۵). وجود قاضی مستقل در جرایم سیاسی یا جرایمی که دولت یک طرف آن محسوب می‌شود به شدت بر حقوق متهم و پیشبرد دادرسی منصفانه تاثیرگذار است.

یکی دیگر از تغییرات ساختاری مهمی که در عدلیه مدرن ایران اتفاق افتاد، مشخص شدن صلاحیت دادگاه‌های مختلف و پایان هرج و مرج میان دادگاه‌های پراکنده بود. قبلاً اشاره کردیم که در عدلیه سنتی کشور مرز میان دادگاه‌های عرف و شرع مشخص نبود و این دو دادگاه در کار یکدیگر دخالت فراوان می‌کردند. از طرفی دیگر اساساً اصل قانونی بودن تشکیل دادگاه‌ها رعایت نمی‌شد و هر حاکم فرمانروایی به دلخواه خود محکمه‌ای تاسیس و افراد را محاکمه می‌کرد. قانون اصول تشکیلات عدلیه برای پایان دادن به این وضع، محاکم عدلیه را به دو نوع عمومی و اختصاصی تقسیم کرد. سپس هر یک از این محاکم را تعریف و حدود صلاحیت آن‌ها را احصاء نمود. مطابق

^{۱۰} محمد آخوندی، آیین دادرسی کیفری کلیات و دعاوی ناشی از جرم، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲)، ۹۹؛ سید محسن صدر، خاطرات صدراالاشرف، (تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۴)، ۲۱۴.

این قانون، محاکم عمومی خود به سه دسته، محاکم صلح، محاکم ابتدائیه و محاکم استیناف تقسیم شدند. برای نظارت بر تمام این محاکم، در تهران محکمه تمیز ایجاد شد (مواد ۱ تا ۱۶ قانون اصول تشکیلات عدلیه).

برگزاری دادگاه‌ها به صورت علنی و رسیدگی با حضور قضات متعدد و هیئت منصفه، موارد دیگری از تحولات ساختاری عدلیه مدرن در ایران بودند. برگزاری دادگاه‌ها به صورت علنی هم در متمم قانون اساسی مشروطه پیشبینی شده بود (اصل ۷۶) و هم در ماده ۲۴۱ قانون اصول محاکمات جزایی مورد توجه قانونگذار قرار گرفت. در عدلیه مدرن ترتیباتی برای استفاده از خرد جمعی در صدور آراء نیز بکار گرفته شد. در عدلیه سنتی ایران برای چندین قرن به موجب قوانین شرعی فقط یک قاضی اختیار رسیدگی به پرونده و صدور رای داشت. اصول محاکمات جزایی رسیدگی به برخی جرایم را به دست قضات متعدد سپرد. مطابق ماده ۱۸۵ این قانون و ماده ۴ قانون تشکیل محاکم جنایی، در جنایاتی که مجازات حبس ابد یا اعدام داشتند رسیدگی با حضور ۵ قاضی و در سایر جنایات با ۳ قاضی انجام می‌شد. مسئله بعدی حضور هیئت منصفه در جریان رسیدگی است. گویا در ابتدای عصر مشروطه، قانونگذاران ایرانی قصد داشتند تا به تقلید از نظام‌های حقوقی اروپا، تمام محاکم جنایی را با حضور هیئت منصفه برگزار کنند؛ به این ترتیب که دادگاه جنایی از هیئت حاکمه (سه نفر قاضی) و هیئت منصفه (۱۲ نفر از شهروندان) تشکیل شود. هیئت حاکمه وظیفه سوال و جواب و تحقیق از متهم و هیئت منصفه وظیفه احراز مجرمیت یا برائت و یا وجود جهات تخفیف را بر عهده داشتند.^{۱۱} با این حال آنچه نهایتاً در اصول محاکمات جزایی اجرایی شد، نسخه محدودی از حضور هیئت منصفه در برخی جرایم حساس بود: تنها برای جرایم مطبوعاتی و سیاسی در دادگاه جنایی هیئت منصفه پیشبینی شد.

عدلیه سنتی در ایران	عدلیه نوین در ایران
<ul style="list-style-type: none"> ● فقدان وجود تشکیلات قضایی منظم ● فقدان وجود تفکیک قوا ● نبود استقلال قضایی ● برپایی خودسرانه دادگاه ● نبود دادسرا و فقدان اصل تفکیک بین مقام تعقیب و رسیدگی ● رسیدگی توسط حاکم یا مجتهد واحد ● دادرسی پشت درهای بسته و صدور رای توسط روحانی یا حاکم ● فقدان سازوکاری مناسب برای اعتراض به آراء 	<ul style="list-style-type: none"> ● ساختارمندی و شکل‌گیری تشکیلات یکپارچه ● رعایت اصل تفکیک قوا ● استقلال قضایی نسبی ● رعایت اصل قانونی بودن تشکیل محکمه ● تشکیل دادسرا و تفکیک بین مقام تعقیب و رسیدگی ● برپایی نظام تعدد قاضی در پرونده‌های مهم ● پیشبینی علنی بودن محاکمات و حضور هیئت منصفه در برخی جرایم ● پیشبینی طرق اعتراض به آراء
<ul style="list-style-type: none"> ● محاکمه و مجازات خودسرانه ● وجود نابرابری شرعی میان افراد ● دستگیری و بازداشت نامعلوم متهمان 	<ul style="list-style-type: none"> ● پذیرش اصل قانونی بودن جرم و مجازات ● پذیرش برابری قانونی و رسمی ● قاعده‌مند شدن ضوابط بازداشت و مدت آن

^{۱۱} - منصور السلطنه عدل، حقوق اساسی یا اصول مشروطیت، (بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۲۷)، ۴-۳۸۳.

- رایج بودن شکنجه برای اخذ اعتراف
- ممنوعیت قانونی شکنجه
- محدود بودن حقوق دفاعی متهم
- توجه به اصل ترافعی بودن رسیدگی و اعطای حق
- بهره‌مندی و دسترسی به وکیل

«خلاصه مفهومی جهت جمع‌بندی بخش نخست»

۲. علت‌شناسی تحولات؛ از اهداف ناسیونالیستی تا انگیزه‌های پنهان حکمرانی

در بررسی نقش قدرت سیاسی حاکم بر کشور در وقوع تحولات نظام دادرسی، از واکاوی نقش حکومت قاجار گذر کرده و انگیزه‌های حکومت پهلوی از اصلاحات قضایی را بررسی می‌کنیم. این رویکرد به دو دلیل اتخاذ شده است. نخست اینکه تحولات مزبور در آخرین سال‌های حیات حکومت قاجار رخ دادند و ظرف ده، یا پانزده سال پایانی از عمر این سلسله، آنچنان در تار و پود نظام قضایی دیرپای کشور، نهادینه نشدند. در عوض، اصول محاکمات جزایی و اصلاحات آن حدود شش دهه توسط حکومت پهلوی در کشور اجرا شد. ثانیاً اینکه در جریان انقلاب مشروطه اعمال اصلاحات به حکومت قاجار تحمیل شد. شاهان قاجار فی‌نفسه علاقه‌ای به پذیرش اصلاحات نداشتند اما در شرایطی قرار گرفته بودند که اگر از اصلاحات امتناع می‌کردند با پیامدهای اساسی‌تری مواجه می‌شدند. در مقابل اما از یک سوی تقابل میان نخبگان و قدرت سیاسی در دوره پهلوی به همراهی تبدیل شد و از سوی دیگر حکومت با تقویت ارتش و توسعه بروکراسی بسیاری از شورش‌ها و ناآرامی‌ها را کنترل کرد. لذا نمی‌توان جریان اصلاح نظام دادرسی کشور در دوره پهلوی را ناشی از تحمیل آن به حکومت دانست. بنابراین به پرسش اصلی بخش دوم می‌رسیم: انگیزه‌های حکومت پهلوی از اصلاح نظام دادرسی کشور چه بود؟

۲/۱ انگیزه‌های ناسیونالیستی حکومت پهلوی

دنباله‌روی نظام قضایی از جریان کلی توسعه تقلیدی کشور و تلاش برای رفع کاپیتولاسیون مهم‌ترین انگیزه‌های ناسیونالیستی هستند که حکومت از اصلاحات قضایی در ذهن داشت. هر یک را بررسی می‌کنیم.

۲/۱/۱ اصلاحات قضایی در راستای ادامه جریان توسعه و نوسازی کشور

هرچند در رابطه با معمای اصلاح و تجدد در عصر پهلوی - خصوصاً رضاشاه - و انگیزه‌های حکومت از نوسازی کشور در عرصه‌های مختلف اجتماعی، دیدگاه‌های متضادی وجود دارد اما دو موضوع را نمی‌توان انکار کرد؛ اساس توسعه و نوسازی در کشور و در عین حال پیاده‌سازی فرمول‌های توسعه غربی در ایران. نوسازی دوره پهلوی در چند بعد صورت گرفت. یکی از اصلی‌ترین این ابعاد، نوسازی ارتش بود.^{۱۲} رضاشاه برای نوسازی ارتش چند اقدام مهم انجام داد. نخست اینکه افسرانی را از سوئد و روسیه به استخدام ارتش درآورد تا نیروی انسانی داخل کشور را آموزش دهند. سپس جوانانی را از ایران به فرانسه فرستاد تا با فنون نظامی جدید آشنا شده و پس از آموزش به کشور بازگردند. علاوه بر این، تجهیزات نظامی زیادی نیز نظیر ماشین‌های زرهی، جنگنده و کشتی‌های نظامی از آلمان و روسیه و ایتالیا خریداری شدند.^{۱۳} پس از ارتش بسیاری از عرصه‌های اجتماعی دیگر نیز دچار تحول شدند. برای مثال اصلاحات زیادی در ساختار اقتصادی کشور انجام گرفت از جمله آنکه نظام مالیاتی کشور با کمک مشاوران خارجی تغییر کرد تا درآمدهای مالیاتی دولت افزایش یابد. در زمینه کشاورزی نیز که یکی از پایه‌های اساسی اقتصاد ایران محسوب می‌شد، حکومت رضاشاه تلاش زیادی کرد تا با واردات ماشین‌آلات مدرن کشاورزی و استخدام

¹² - Stephanie Cronin, *The Making of Modern Iran*, (London and New York, Routledge, 2003), 1.

¹³ - Amin Banani, *The Modernization of Iran 1921-1941*, (Stanford: Stanford University Press, 1961), 52-8.

متخصصانی از اروپا و تغییر شیوه‌های سنتی کشت در ایران، بازدهی بخش کشاورزی را افزایش دهد. توسعه صنایع در بخش خصوصی نیز تشویق می‌شد؛ برای مثال ورود ماشین‌آلات و ابزارهای صنعتی خارجی توسط اشخاص خصوصی با حمایت همراه می‌شد. یکی دیگر از مصادیق مهم مدرنیزاسیون ایران در دوره رضاشاه، توسعه راه‌ها و حمل و نقل بود. تلاش‌های زیادی در این دوره برای بهبود کیفیت جاده‌ها و ایجاد شوارع جدید و نیز گسترش حمل و نقل دریایی و هوایی کشور در این دوره انجام شد که با خریداری کشتی‌ها و هواپیماهای خارجی میسر شد. علاوه بر توسعه اقتصادی و صنعتی، تلاش‌هایی برای توسعه اجتماعی نیز انجام گرفت. برای مثال نظام آموزشی کشور که تا پیش از حکومت پهلوی هیچگونه ساختار یک شکل و مدونی نداشت و کودکان تنها در مکتب‌خانه‌ها آموزش‌های ابتدایی می‌دیدند، در دوره حکومت رضاشاه با الگوبرداری از نظام آموزشی مدارس فرانسه، بروز شد و به یک برنامه ۱۲ ساله آموزشی مدون و یک شکل بر اساس علوم مدرن تحول یافت. رد پای مدرنیزاسیون غربی در تمام برنامه‌های توسعه صنعتی، اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره پهلوی به چشم می‌خورد. بررسی این موضوعات نشان می‌دهد که تحولات صورت گرفته در نظام قضایی کشور در عصر پهلوی از یک جریان خاص و جداگانه تبعیت نکرده و در واقع تحولات قانونی و نوسازی نظام دادرسی کشور بخشی از جریان کلی اقتباس تمام و کمال مدرنیزاسیون اروپایی محسوب می‌شده است.^{۱۴} حکومت پهلوی توسعه کشور را در گرو تقلید از ساختارهای مختلف اجتماعی کشورهای اروپایی می‌دید، به همین دلیل رد پای توسعه اقتباسی را در عرصه‌های اجتماعی مختلف ایران در آن دوره می‌توان مشاهده کرد. نظام مالیاتی با استخدام مشاوران خارجی بازطراحی شد، کارخانه‌ها با ماشین‌آلات اروپایی تجهیز شد، نفت با همکاری شرکت‌های انگلیسی استخراج و فروخته می‌شد، نظام آموزش و پرورش با تقلید نظام اروپایی بروز شد و نهایتاً نظام دادرسی نیز در همین مسیر قرار گرفت. تبعیت از تحولات قانونی اروپا و انعکاس آن‌ها در نظام دادرسی کشور به چند روش انجام گرفت. استخدام مستقیم اساتید و مشاوران حقوقی از اروپا برای تدریس در دانشگاه یا مشاوره به وزارت عدلیه،^{۱۵} اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا برای تحصیل و سپس بکارگیری آن‌ها در داخل،^{۱۶} و نهایتاً اقتباس مستقیم قوانین و ساختار قضایی اروپا برخی از این روش‌ها بودند.^{۱۷}

۲/۱/۲ اصلاحات قضایی به عنوان تنها مسیر الغای کاپیتولاسیون

یکی دیگر از انگیزه‌های حکومت پهلوی برای اصلاحات قضایی و نوسازی نظام دادرسی کشور، الغاء کاپیتولاسیون بود. کاپیتولاسیون میراث حکومت قاجار و نتیجه شکست در جنگ با دولت‌های خارجی، امضای معاهده‌های امتیازدهی به آنان و فقدان وجود نظام دادرسی عادلانه و امنیت قضایی در کشور بود. پیش از سلطنت رضاشاه، در عصر قاجار نیز تلاش‌هایی شده بود تا نظام کاپیتولاسیون قضایی در ایران الغاء شود. با این حال هیچکدام از تلاش‌های قبلی نتیجه‌ای نداشت و اتباع دولت‌های خارجی در ایران همچنان از معافیت قضایی برخوردار بودند. علت این امر آن بود که به رغم عزم دولت‌های داخل ایران برای لغو کاپیتولاسیون، نظام قضایی کشور همچنان از فراهم آوردن حداقل

¹⁴ - Ashraf Pahlavi, *Faces in a Mirror: Memoirs from Exile*, (Englewood Cliffs: Prentice-Hall, 1980), 32.

^{۱۵} - از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰، هشت استاد حقوق از فرانسه و دو استاد حقوق از ایتالیا برای تدریس در دانشگاه تهران استخدام شدند. یک مشاور عالی‌رتبه فرانسوی نیز برای تدوین قوانین در وزارت عدلیه به کار گرفته شد (Banani, op. cit., 75-6).

^{۱۶} - بسیاری از مقامات عالی‌رتبه قضایی کشور و طراحان اصلی بازسازی نظام قضایی در اروپا تحصیل کرده و در بازطراحی نظام دادرسی کشور تحت تاثیر نظام‌های قضایی اروپا بودند؛ مثل علی اکبر داور و احمد متین‌دفتری.

^{۱۷} - اصول محاکمات جزایی از کد تحقیقات جنایی فرانسه تبعیت می‌کرد.

تضمینات امنیت قضایی برای متهمان عاجز بود. علاوه بر این قوانین شرعی حاکم بر نظام قضایی کشور، رسماً نابرابری‌هایی را نسبت به غیرمسلمانان روا می‌داشت.

لذا می‌توان ادعا کرد یکی از اهداف اصلاح نظام قضایی در دوره پهلوی من جمله توجه به مسئله حقوق متهم و قاعده‌مند کردن جریان دادرسی، تلاش برای لغو کاپیتولاسیون بوده است. مجموعه تحولاتی نیز که در زمینه حقوق متهم در اصول محاکمات جزایی صورت گرفت، با دو چالش اصلی که در زمینه حقوق خارجی‌ان بیان کردیم، همسویی دارد. نهایتاً با انحلال عدلیه و تاسیس عدلیه جدید با ساختارهای مدرن توسط علی اکبر داور، اصلاح قانون اصول محاکمات جزایی، تضمین حقوق متهم در فرآیند دادرسی و قاعده‌مند شدن این فرآیند، رضاشاه موفق به الغاء نظام کاپیتولاسیون در سال ۱۳۰۶ ه.ش شد.

۲/۲ اصلاحات قضایی و انگیزه‌های پنهان حکومت

انگاره اصلی پژوهشگر در این بخش این است که قاعده‌مند شدن نظام دادرسی و تحولات حقوق متهم در این عرصه، گام‌هایی در راستای توسعه بروکراسی اداری حکومت پهلوی بودند و بروکراسی نیز به نوبه خود یکی از ابزارهای اصلی حکومت برای سلطه بر جامعه محسوب می‌شد.

۲/۲/۱ توسعه بروکراسی در حکومت پهلوی

در میان مورخان و جامعه‌شناسان ایران معاصر مشهور است که بروکراسی اداری یکی از سه رکن اساسی حیات حکومت پهلوی محسوب می‌شده است.^{۱۸} تا پیش از حکومت پهلوی، دستگاه دیوان‌سالاری منسوخ کشور غالباً مرکب بود از شاهزادگان و امیران و والیانی که هر یک مسئول قلمرو تحت امر خود بودند و به هر شیوه‌ای که صلاح می‌دیدند و توانش را می‌یافتند، به اداره امور می‌پرداختند. رضاشاه برای تقویت نظارت حکومت بر اداره امور کشور، دست به چند اقدام مهم زد. نخست اینکه تقسیمات کشوری گذشته را تغییر داد و کشور را به حدود ۱۵ استان تقسیم کرد. هر استان نیز به چند شهرستان و بخش و دهستان تقسیم شد. اداره این واحدهای جغرافیایی به استاندار و فرماندار و بخشدار و شوراهای دهیاری که از طرف حکومت منصوب می‌شدند، واگذار شد. در ادامه حدود ۱۷ وزارتخانه برای اداره بخش‌های مختلف تشکیل و بیش از ۹۰،۰۰۰ کارمند در بدنه دولت به کار گرفته شدند. این روند در زمان محمدرضا شاه نیز ادامه یافت. تعداد وزارتخانه‌ها به ۲۰، تعداد استان‌ها به ۲۳ و تعداد کارمندان دولت به بیش از ۱ میلیون نفر رسیدند.^{۱۹} این میزان از گسترش تمرکزگرایی با هدف نظارت دولت بر تک تک جنبه‌های زندگی اجتماعی به وجود آمده بود. تعبیر یکی از انسان‌شناسان اروپایی عصر پهلوی از تمرکزگرایی شدید حکومت در این زمینه راهگشا است: «میزان بالای تمرکزگرایی که طی دهه گذشته ایجاد شده واقعا شگفت‌آور است. اکنون دولت به لحاظ عملی در همه ابعاد زندگی روزمره دخالت می‌کند. قرارداد اجاره زمین به واسطه دولت بسته می‌شود و دولت در جمع‌آوری و بسته‌بندی میوه‌ها، کود شیمیایی، خوراک دام، زنبورداری، بافت فرش، زاد و ولد کودکان، کنترل جمعیت، سازمان‌دهی زنان، آموزش دینی و کنترل بیماری‌ها دخالت دارد».^{۲۰} سیاست توسعه بروکراسی چه کارکردی برای حکومت پهلوی می‌توانست داشته باشد؟

۲/۲/۲ کارکردهای پنهان سیاست توسعه بروکراسی

¹⁸ - Ervand Abrahamian, *Iran between two revolutions*, (Princeton: Princeton University Press, 1982), 149; John Foran, *Fragile resistance*, (Westview Press, 1992), 221.

¹⁹ - سید محمدجواد ساداتی، مجازات و کنترل اجتماعی، (تهران: میزان، ۱۴۰۰)، ۲۵۵.

²⁰ - همان، ۲۵۴.

بیشتر بیان کردیم که به اذعان جامعه‌شناسان، بروکراسی یکی از ارکان اساسی حکومت پهلوی محسوب می‌شده است. چنین ادعایی در مورد هیچ‌یک از حکومت‌های قبلی در تاریخ ایران صادق نیست. چرا؟ چون در دوره پهلوی برای نخستین بار در تاریخ ایران شیوه‌های جدیدی از اعمال اقتدار بر جامعه مورد استفاده دستگاه قدرت قرار گرفت. بر خلاف حکومت‌های پیشامدرن که با شمشیر آخته، اعمال خشونت بی حد و حصر بر بدن بزهکاران و نمایش‌های پرطمطراق و علنی تعذیب اقتدار خود را حفظ می‌کردند، حکومت‌های عصر مدرن به دلیل تحولات مستمر در شکل انسجام اجتماعی مردم و شکل‌گیری اشکال نوینی از شناخت نسبت به منشاء پدیده‌های طبیعی، دیگر قادر به تثبیت اقتدار خود از طریق برپایی تعذیب‌های آشکار نبودند. در عوض شکل تازه‌ای از اعمال سلطه نیاز بود تا علاوه بر حفظ قدرت و پیشبرد اهداف آن و اعمال سلطه بر سوژه‌ها، با اشکال نوین شناخت مردم و انسجام اجتماعی نیز هماهنگ باشد. به همین دلیل است که حکومت‌های عصر مدرن با گذر از اقتدارگرایی قابل رویت و پرهزینه، از رهگذر چهارچوب‌بندی جامعه، قاعده‌گذاری‌های بی‌شمار و قرار دادن سوژه‌های قدرت در دالان‌های پریپیچ و خمی از ساختارها و نهادهای دولتی، به نوع دیگری از اقتدارگرایی نهان روی آورده و این چنین سوژه‌ها را کنترل می‌کنند.

بروکراسی ابزار این شکل نوین از اعمال اقتدار است. قدرتی که تا پیش از عصر مدرن با شمشیر آخته خود بر سکوه‌های عمومی اعمال تعذیب، در کانون توجه قرار داشت، در عصر مدرن با کمک بروکراسی موفق شد تا با قطعه قطعه کردن خود در جزئی‌ترین عرصه‌های زندگی شخصی و اجتماعی، به صورت نامرئی و کم‌هزینه‌تری سوژه‌ها را به کنترل خود درآورد. در این شکل جدید از اعمال اقتدار، قدرت با ایجاد ساختارها و نهادهایی خرد و در عین حال همه جا حاضر، اقتدار خود را حفظ می‌کند. توسعه ساختارها و نهادها از چند طریق به جریان اقتدارپذیری سوژه‌ها کمک می‌کنند. نخست اینکه شهروندان در جوامع مدرن برای انجام کوچک‌ترین امور روزمره خود نیز به دولت وابسته می‌شوند. در تمامی تعاملات اجتماعی ردپایی از وابستگی به دولت را می‌توان مشاهده کرد. دوم اینکه این وابستگی باعث می‌شود تا نظارت قدرت بر سوژه‌ها تسهیل شود. قدرت برای کنترل سوژه‌ها در عصر مدرن، خاکریز خود را عقب‌تر برده و دیگر منتظر ارتکاب جرم از جانب سوژه‌ها و سپس مجازات همه‌جانبه و پر زحمت آن‌ها باقی نمی‌ماند. وابستگی به نهادهای دولتی در زندگی اجتماعی خود به خود، رفتار سوژه‌ها را نیز قاعده‌گذاری، نظارت و کنترل می‌کند. نهایتاً پاسخ به ارتکاب جرم نیز در همین دالان‌های پریپیچ و خم بروکراسی اتفاق می‌افتد؛ پاسخ‌هایی آنچنان تخصصی، اداری و به دور از انظار عمومی که در عین حفظ قدرت و سرکوب نابهنجاران، احساسات عمومی را نیز تحریک نکند. تحول در شیوه اعمال اقتدار در مورد حکومت پهلوی نیز صدق می‌کند. نباید از یاد برد که سلسله اتفاقاتی که نهایتاً به پیروزی انقلاب مشروطه و تضعیف اقتدار سنتی پادشاهان قاجار منجر شد، از همین مسئله اقتدارگرایی سنتی و عدم رعایت حقوق متهم نشأت گرفته بود. علاءالدوله حاکم تهران در سال ۱۳۲۳ ه.ق دو تن از تاجران قند بازار تهران را به بهانه افزایش قیمت‌ها در انظار عمومی فلک کرد. صرف نظر از اینکه این دو در افزایش قیمت قند نقش داشته‌اند یا خیر، مجازات آن‌ها در چهارچوب یک اقتدارگرایی سنتی، بدون برپایی دادرسی منصفانه و بدون رعایت حقوق متهمان در این فرآیند انجام گرفت. درست یک روز پس از این ماجرا، بست‌نشینی بازاریان و علما برای برپایی عدالت‌خانه شروع شد. حکومت پهلوی برای جلوگیری از تکرار سرنوشت قاجار، نیازمند کنار گذاشتن این شکل از اقتدارگرایی سنتی و به کارگیری شیوه جدیدی از اعمال سلطه بود. شیوه جدیدی که مطابق آن نظام قضایی کشور نوسازی شد، قواعد یکسانی بر مرحله به مرحله فرآیند دادرسی حاکم شد و گویی حقوق جدیدی برای متهمین در این فرآیند مورد توجه قرار گرفت اما در پشت پرده، قاعده‌گذاری برای حوزه‌های اجتماعی مختلف، نظارت بیشتر بر کنش‌های اجتماعی و نهایتاً تسلط و کنترل بر آن بخش از تعاملات اجتماعی که پیشتر از تیررس حکومت خارج بودند، انگیزه اصلی اصلاحات محسوب می‌شد.

یک گزینه جدی می‌تواند مثبت این ادعای ما باشد که تحولات رخ داده در زمینه نظام دادرسی کشور و حقوق متهم در عصر پهلوی را باید در چهارچوب سیاست توسعه بروکراسی دنبال کرد. این نشانه را در واکاوی جنس حقوق اعطایی به متهم در قانون اصول محاکمات جزایی می‌توان پیدا کرد. رهگیری تحولات حقوق متهم در اصول محاکمات جزایی نشان می‌دهد که مهم‌ترین دستاوردهای آن به تغییر ساختار قضایی کشور مربوط می‌شدند، نه حقوق فرآیندی متهم. حقوق فرآیندی که در عصر پهلوی به متهم اعطا شد دو اشکال مهم داشت. نخست اینکه به صورت محدود و ناقص در اصول محاکمات جزایی پیشینی شده بود. اشکال دوم این بود که حقوق قانونی اعطا شده به متهم در رویه‌های عملی رعایت نمی‌شد و از این حیث تعارض‌های آشکاری میان قوانین مصوب و رویه‌های عملی وجود داشت.

حکومت پهلوی هر زمان که منافع خود را در خطر می‌دید یا کوچک‌ترین خللی در اقتدار خویش احساس می‌کرد، با فراموش کردن اصول دادرسی جدید، منتقدان خود را به صورت پنهانی سرکوب کرده و از صحنه حذف می‌کرد. در دوران سلطنت رضاشاه، احزاب سیاسی، روزنامه‌نگاران و منتقدان حکومت از طریق نظام قضایی سرکوب می‌شدند. اوضاع عملی رعایت حقوق متهم و دادرسی منصفانه در دوره محمدرضا شاه نیز با تاسیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور وخیم‌تر شد. فوران برخورد ساواک با متهمین را اینگونه توصیف کرده است: «ساواک متهمین را به صورت خودسرانه و بدون هرگونه محدودیت زمانی بازداشت می‌کرد؛ دادرسی‌ها مخفیانه بودند و بدون حضور وکیل مدافع در مقابل اعضای ساواک یا قضات نظامی برگزار می‌شدند... شکنجه وحشیانه متهمین نیز در مدت بازداشت و فرآیند بازجویی امری عادی محسوب می‌شد».²¹ در گزارش سال ۱۳۵۵ سازمان عفو بین‌الملل نیز، ایران به عنوان بدترین کشور در زمینه سوء سابقه حقوق بشری ذکر شده است.²² شواهد فوق به خوبی نشان می‌دهند که تحولات نظام دادرسی و حقوق متهم در دوره پهلوی ابعاد پنهان دیگری به جز توجه به مقوله حقوق بشر دارند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش حقوق متهم در عدلیه مدرن ایران در دو بعد فرآیندی و ساختاری و نیز تحولات آن نسبت به عدلیه سنتی را توصیف کردیم. سپس به واکاوی انگیزه‌های قدرت سیاسی حاکم از اعمال این تحولات پرداختیم. برخی از این انگیزه‌ها منشاء ناسیونالیستی داشتند مانند تلاش برای مدرنیزاسیون کشور و یا الغاء کاپیتولاسیون و برخی دیگر در راستای اعمال قدرت بر مردم بودند. در خصوص مورد اخیر ادعا کردیم که حقوق متهم در بخشی بیشتر مورد توجه حکومت پهلوی قرار گرفت که با اصلاح ساختارها و تشکیلات قضایی و قاعده‌گذاری و ضابطه‌مندی نهاد‌های آن و در یک کلام سیاست توسعه بروکراسی مرتبط بود.

در واقع درست است که در زمینه حقوق فردی، اصول محاکمات جزایی گام‌های رو به جلویی برداشته بود اما آنچه تفاوت واقعی با عدلیه قاجار را رقم زد، تحولات ساختار قضایی بود. انحلال عدلیه قبلی و تاسیس دادگستری نوین، ایجاد حوزه‌های قضایی و تاسیس دادگاه‌های صلح و جنحه و جنایی در آن‌ها، محدود کردن صلاحیت دادگاه‌های شرع و نهایتاً انحلال آن‌ها، تشکیل دیوان تمییز در تهران، تفکیک میان دادرسی و دادگاه، انحصار انتصاب قضات به دست دولت و توانایی عزل و تغییر آن‌ها و اجرای انحصاری احکام توسط ماموران دولت، برخی از مصادیق تحول در نظام قضایی کشور در عصر پهلوی هستند. تفاوت اصلی نظام قضایی قاجار با دوره پهلوی را باید همین تحولات ساختاری دانست.

21 - Foran, op. cit., 314.

22 - Amnesty International, Annual report 1974-5, (1974), 8.

با وجود اینکه تحولات ساختاری مذکور به صورت غیرمستقیم با حقوق متهم هم ارتباط پیدا می‌کنند اما همگی تحولاتی هستند که با سیاست تمرکزگرایی شدید حکومت و افزایش کنترل بر عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی من جمله نظام قضایی هماهنگی دارند. دور از ذهن نیست اگر ادعا کنیم که تحولات حقوق متهم و قاعده‌مندی نظام دادرسی کشور در عصر پهلوی بیش از آنکه بر یک معرفت‌شناسی حقوق بشری مبتنی باشند، بر سیاست‌های کنترل و تنظیم‌گری و قاعده‌گذاری دولتی استوار بودند. در این رویکرد، قاعده‌مند شدن نظام دادرسی کشور نه فقط برای سر و سامان دادن به اوضاع آشفته دادگستری در ایران و رعایت بیشتر حقوق متهم بلکه برای تسلط بیشتر دولت بر نهادهای قضایی و جریان رسیدگی در دادگاه‌ها صورت گرفت؛ امری که فقط با ایجاد یک دادگستری نوین، تشکیل دادگاه‌های متعدد در هر حوزه قضایی، ایجاد وحدت رویه و فرآیند رسیدگی مشترک در این دادگاه‌ها، تفکیک صلاحیت‌ها و تعیین وظایف مقامات مختلف قضایی، انتخاب آن‌ها از دل فیلترهای دقیق دولتی و نهایتاً تصویب قوانینی مشخص در زمینه آیین دادرسی میسر می‌شد. برپایی چنین دادگستری با ادامه مسیر نظام قضایی بی‌قاعده و هردم‌خیالی قاجار ممکن نبود. قدرت‌نمایی دادگاه‌های شرع و حل و فصل بسیاری از دعاوی توسط مجتهدان از یک سوی و اختیارات گسترده حاکمان محلی در رسیدگی‌های دادگاه عرف و حاکم نبودن قواعد مشخصی بر این دادگاه‌ها از سوی دیگر، دست حکومت قاجار را برای نظارت و کنترل دستگاه قضایی بسته بود. چنین رویه‌ای در سیاست تمرکزگرایی شدید حکومت پهلوی نمی‌توانست ادامه پیدا کند، لذا دولت با پوشش قاعده‌مند کردن نظام دادرسی و اصلاحات قضایی اما در نهان با هدف توسعه دامنه بروکراسی خود دست به تغییر وضعیت زد.

فهرست منابع

۱- فارسی

الف) کتب

۱. آشوری، محمد. **آیین دادرسی کیفری**. جلد ۲، ویراست پنجم. تهران: سمت، ۱۴۰۰.
۲. آخوندی، محمد. **آیین دادرسی کیفری کلیات و دعاوی ناشی از جرم**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۳. الیویه، گیوم آنتوان. **سفرنامه الیویه**. ترجمه محمدطاهر میرزا. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
۴. امین، حسن. **تاریخ حقوق ایران**. تهران: دایره المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۹۱.
۵. جوانمرد، بهروز. **آیین دادرسی کیفری**. جلد ۱، ویراست نهم. تهران: جنگل، ۱۴۰۰.
۶. خالقی، علی. **نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری**. ویراست نهم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۲.
۷. دروویل، گاسپار. **سفرنامه دروویل**. ترجمه جواد محبی. تهران: انتشارات گنتبرگ، ۱۳۴۸.
۸. دوگوبینو، ژوزف آرتور. **نامه‌های ایرانی**، ترجمه عذرا غفاری. تهران: دهخدا، ۱۳۴۱.
۹. راوندی، مرتضی. **سیر قانون و دادگستری در ایران**. تهران: نشر چشمه، ۱۳۶۸.
۱۰. ساداتی، سید محمدجواد. **مجازات و کنترل اجتماعی**. تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰.
۱۱. سرنا، کارلا. **سفرنامه کارلا سرنا: مردم و دیدنی‌های ایران**. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۱۲. سیاح، حمید. **خاطرات حاج سیاح**. به تصحیح سیف‌الله کلکار. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۶.
۱۳. صدر، سید محسن. **خاطرات صدرالاشرف**. تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۴.
۱۴. عدل، منصور السلطنه. **حقوق اساسی یا اصول مشروطیت**. بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۲۷.
۱۵. فلور، ویلم و بنانی، امین. **نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی**. ترجمه حسن زندیه. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.

۱۶. کاتوزیان، همایون. *ایرانیان*. ترجمه حسین شهیدی، تهران: نشر مرکز، ۱۴۰۲.

ب) مقالات

۱۷. جنگی سلامی، علی و محمدی کنگ سفلی، احسان. «حقوق متهم در قرارهای تامین کیفری»، نشریه مطالعات حقوق، ۱۷ (۱۴۰۰)، ۴۳-۳۱.
۱۸. سلطانی مفرد، حسن، خالقی، علی و ساقیان، محمدمهدی. «دادرسی کیفری در مدل سیاست جنایی اقتدارگرایی فراگیر با تاکید بر حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۴، ۲ (۱۴۰۰)، ۴۲۰-۴۰۳. Doi: <https://doi.org/10.30510/psi.2022.285517.1707>
۱۹. شاهد، بهارک و مهرا، نسرين. «برخی از جلوه‌های بارز الگوی دادرسی منصفانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۲ (۱۳۹۷)، ۳۰-۵.
۲۰. صادقی، غلامرضا، امام، سید محمدرضا و احسان‌پور، سید رضا. «نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در مورد حقوق متهم»، فصلنامه فقه جزای تطبیقی، ۲، ۲ (۱۴۰۱)، ۱۰۰-۸۹. Doi: 10.22034/jccj.2022.366034.1111
۲۱. فردحسینی، سید محمد. «بررسی الزامات حقوق متهم در دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، ماهنامه افاق علوم انسانی، ۲۴ (۱۳۹۸)، ۵۵-۳۹.
۲۲. نعمتی، جلیل، ناجی‌زواره، مرتضی و رحمدل، منصور. «قلمرو حقوق متهم تحت نظر در ایران در تطبیق با معیارهای حقوق بشری»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲۳، ۱ (۱۴۰۰)، ۲۳۸-۲۰۱.

۲_ انگلیسی

Books

23. Abrahamian, Ervand. *Iran between two revolutions*. Princeton: Princeton University Press, 1982.
24. Amnesty International. *Annual report 1974-5*. 1974.
25. Banani, Amin. *the Modernization of Iran 1921-1941*. Stanford: Stanford University Press, 1961.
26. Cronin, Stephanie. *the Making of Modern Iran*. London and New York: Routledge, 2003.
27. Foran, John. *Fragile resistance*. Westview Press, 1992.
28. Pahlavi, Ashraf. *Faces in a Mirror: Memoirs from Exile*. Englewood Cliffs: Prentice-Hall, 1980).